

۲ مقاله از

لنین



ترجمه گروه صیبر

گروه صیمره

هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

A-4

56

دو اثر

- ۱- پلخانف و همپالگی‌هایش چگونه از
رویزیونیسم دفاع می‌کنند.
- ۲- سخنرانی در سومین کنگره اتحادیه
سراسری روسیه.

لنین

سوسخن

نوشته‌هایی را که در دست دارید. ترجمهٔ يك نوشته و يك سخنرانی از ولادیمیر ایلیچ الیاف لنین آموزگار بزرگ پرولتاریای جهان است.

در سخنرانی، لنین به وضع کارگران در سوسیالیسم می‌پردازد. او برخی از خصوصیات بایسته و ناگزیر حکومت کارگری را برمی‌شمارد. این متن برای روشن شدن ذهن خواننده در زمینه فوق می‌تواند مثمر ثمر باشد.



دومین متن ترجمه نوشته‌ای است از لنین که رویزیونیسم را به نقد می‌کشد. ما می‌بینیم که پلخانف و همپالگی‌هایش چگونه با يك انحراف ظریف حتی بدیهی‌ترین اصل مارکسیستی را زیر پا می‌گذارند. برای بازشناسی رویزیونیسم که امروزه در سطح جامعه ما نمونهٔ بارزش

رویزیونیسم حزب توده است این متن شاهد خوبی است. ما این دواثر را به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران تقدیم می‌کنیم. به امید آنکه بتوانیم دیگر آثار کلاسیک را که هنوز تکثیر نشده بزودی منتشر کنیم.

* * *

گروه صیمره لرستان
هواداران چریکهای فدائی خلق ایران

www.iran-archive.com

www.iran-archive.com

گروه صیمره لرستان

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

«پلخانف و همپالگی‌هایش چگونه از رویزیونیسم دفاع می‌کنند.»

متن تحلیل «ندای سوسیال دمکراتها»^۱ نوشته
پلخانف و همپالگی‌هایش در مورد تجزیه و تحلیل
ما از نامه رفیق مازلف در پرولتاری^۲ شماره ۳۷
حال بمثابة يك تفسیر مجزا در شماره‌های ۸-۹
«ندا» منتشر شده است. این تفسیر به اندازه
بلندی نصف يك ستون روزنامه پرولتاری ارزش
جلب توجه سوسیال دمکراتهای روس را پیدا
می‌کند. چراکه نشان می‌دهد چگونه خصیصه‌های
فرقه گرایانه، پلخانف و همپالگی‌هایش را به دفاع
تئوریک از رویزیونیسم باکمک سفسطه خیلی
پنهانی رهنمون کرده است. و حال این هم اسناد.
«ما پی‌گیرترین و قطعی‌ترین مخالفین
سازش‌ناپذیر آن رویزیونیسم هستیم که حال

تحت تأثیر ارتجاع ایدئولوگهای یورژوازی
غربی دارد شکل می‌گیرد. و آزمایش ضربه
زدن به بنیادهای فلسفی جامعه‌شناسانه و
اقتصادی‌دکترین‌های کارل مارکس و فردریک
انگلس می‌باشد.»

این جمله اولین تفسیر است. «پی‌گیرترین
و قطعی‌ترین مخالفین سازش‌ناپذیر...» از
اینهم زنده‌تر ممکن بود؟ روکردن يك تز قلمبه
و سلنبه‌تر برای این جمله پلخائف و همپالگی‌هایش
دشوار خواهد بود.

اما... دشوار آن است که «دشمنان سازش-
ناپذیر رویونیسم» ما به يك «اما»ی بسیار پر
معنی در ارتباط با مازلف توسط جسته‌اند
(پلخائف همپالگی‌هایش این تفسیر را خلاصه‌وار
در ارتباط با مقاله مازلف نوشته‌اند، دوباره با
مسئله رویونیسم مازلف.)

پلخائف و همپالگی‌هایش می‌فرمایند،:
«لیکن هیچگاه مارکسیست‌های سکتاریستی
نبوده‌ایم، ما تنها بخوبی می‌فهمیم که يك نفر

می‌تواند بر سر موضوعی با مارکس و انگلس
اختلاف نظر داشته باشد. و بدور از منحرف شدن
نقطه نظرهایشان یا انکار نمودن روش‌شان برای
هر دو دوست باقی بماند.» و این فاکت را ذکر
می‌کنند:

«کونوز^۲ يك سوسیال دمکرات بود که اختلاف
ناچیزی درباره منشاء مادر سالاری با انگلس
داشت. اما فقط يك اندیشه^۳ مریض می‌تواند او
را به رویونیونیسیم متهم نماید.»

«جمله فوق بدرد ارائه چگونگی برخورد
ما به دیدگاه رفیق مازلف در مورد تئوری
بهره^۴ مارکس هم می‌خورد ما این عقیده را
نمی‌پذیریم (ندا می‌افزاید: «رفیق مارتینف
بالاخص در ندای شماره يك قید کرد که به
اصطلاح نظریه^۵ بهره مطلق^۶ مارکس که
رفیق مازلف انجام داده است موافق نمی‌باشد)
اما، ما این را به حساب رویونیونیسیم
نمی‌گذاریم.»

اکنون خواننده می‌تواند پروسه^۷ استدلال

پلخانف و همپالکی هایش را دنبال نماید. «ما پی گیرترین و قطعی ترین مخالفین سازش ناپذیر رویونیسم هستیم.» اما این را (یعنی دیدگاه مازلف درباره تئوری بهره مطلق) به حساب رویونیسم نمی گذاریم.

رویونیسم به بنیاد دکترین مارکس ضرب به وارد می کند، بادر نظر گرفتن اینکه مازلف در مورد يك مسئله جزئی با مارکس اختلاف دارد. این چنین است رشته دفاعیات پلخانف و همپالکی. هایش که در ارتباط با کونو کاملاً بسط یافته است - ما از خواننده اندیشمند و بی غرض سؤال می کنیم: آیا این سفسطه بازی نیست؟ تئوری بهره مارکس به عنوان يك مسئله جزئی بیان می شود. اختلافات درباره تئوری بهره او، با این حقیقت که کونو «اختلافات ناچیزی با انگلس درباره منشاء مادر سالاری داشت.» برابر تلقی می شود. پلخانف و همپالکی هایش به کودک منشویک خود علناً رسیدگی می کند تا از این توضیحات تغذیه شود.

انسان نبایستی به شخص یا خراننده‌ای که
مباحثه کردن درباره مسئله اساسی و مهم این
مطلب دلقك بازی درمی آورد احترام قائل شود.
پلخاتف و همپالگی‌هایش توضیحاتشان را بایك
جمله جدی و سنگین شروع می‌کنند که
رویزیونیسم را بمثابه ضربه‌زننده بر بنیادهای
تئوریک مارکس و انگلس بیان می‌کنند.

لیکن پلخاتف و همپالگی‌هایش نحوه برخورد
خودشان را با قضیه مازلف انکار کرده‌اند؟ آری
یا خیر؟ یا، آیا پلخاتف و همپالگی‌هایش تفسیر
خود را فقط برای پنهان نمودن افکارشان
نوشته‌اند؟؟ مازلف در مقاله‌های متعدد در چندین
نشریه درباره مسئله ارضی‌اش سخن گفته است.
۱- تئوری ارزش مطلق مارکس غلط است.
۲- پیدایش يك چنین تئوری ناشی از طبیعت
خشن جلد سوم است.

۳- رجعت‌های نقصان^۵ یا بنده يك واقعیت
است.

۴- چنانچه تئوری بهره مطلق درست بود و

«قانون رجعت‌های نقصان یابنده» غلط،
رویزیونیستهای سراسر جهان و نارودنیکیهای
روسیه ثابت می‌کردند که درست می‌گویند.
اینها چهار مسئله‌ای بود که بر علیه مازلف
در پرولتاری چاپ شد، در مقاله‌ای که کلیه این
جدل‌ها از آنجا آغاز گردید.

لیکن فقط ملاحظه کنید پلخانیف و همپالگی -
هایش چگونه عکس‌العمل نشان می‌دهند. در آغاز
خیلی مؤقرانه خود را به بهره محدود می‌نمایند،
بنابراین در تمام مورد دیگر سکوت اختیار می‌کنند.
آیا این دفاع از رویزیونیسم نیست؟ آیا پلخانیف و
همپالگی‌هایش اعتراف نمی‌کنند که تجدید نظر
در تئوری مارکس درباره چرند بودن هم قانون
و هم واقعیت رجعت‌های نقصان یابنده «تحت
تأثیر ارتجاع ایدئولوژیهای بورژوازی اروپای
غربی شکل می‌گیرد» ثانیاً تئوری بهره مطلق بر این
است با یک مورد ناچیز، اختلافات ناچیزی در -
باره منشاء مدارس لاری؟! آقایان، این، بند بازی
فکری است و شما از آن برای دفاع همه جانبه‌تان

از رویونیسم بهره می‌برید. برای شما نیازی به شهرامت نیست که بوضوح بگوئید که پذیرفتن بهره مطلق و انکار قانون (یا واقعیت) رجعت - های نقصان‌یابنده در مورد مسئله ارضی «بنیاد - های» تئوریک اقتصادی مارکس نیستند.

شما بدین نحو آنچه پرولتاری، شماره ۶۳۳ درباره فاموسف^۷ تئوریسین منشویک گفت، که به خانواده‌اش با موافقت با بیان‌کردن تئوری اقتصادی مارکس به عنوان یک مسئله جزئی و بوسیله برابر تلقی نمودن و منطقی کردن آن با منشاء مادرسالاری پاداش می‌دهد، اثبات نمائید پلخانف و همپالگی‌هایش دشمنان سازش‌ناپذیر رویونیسم هستند، ولی اگر شما یک منشویک می‌باشید از این لغات وحشتناک نترسید. می‌توانید به سردبیران «ندا» رجوع کنید تا بدانید که برای آشتی‌ناپذیری منشویکها خیلی با هم جور درمی‌آید - آنقدر که آنها حاضر شده‌اند که «ریشه‌کن نمودن تئوری» را با «اختلاف بر سر منشاء مادرسالاری» برابر قرار دهند.

این ولخرجیها ارزان تمام نمی شود خانمها و آقایان حراج شروع شده است.

لیکن در ادامه، پلخائف و همپالگی هایش می گویند ما نظریه مازلف را در باره بهره قبول نداریم. آنگاه می افزایند مارتینف این نتیجه را رد کرده است. فردی، سردبیران پرولتاری به مثابه «فرشته محافظ مارتینف» توصیفش می کنند. هر از گاهی [اینجا را گوش کنید] با رفیق مازلف در باره موضوعاتی که با مسئله ارضی رابطه نزدیک دارند در مطبوعات به بحث و جدل پرداخته است. این چیزی است که پلخائف و همپالگی هایش بطور تحت اللفظی در تفسیرشان می گویند. رفقای منشویک از سردبیران پیاموزید که ردکنندگان چگونه می نویسند. آنجا شما یک مثال کلاسیک دارید نکته در این مقاله رویونیسم است. و بحث و گفتگو در باره اینکه آیا این سازش ناپذیری تئوریکی است یا فقط یک لجاجت بازی فرقه گرایانه، که پلخائف را مجبور کرد که در حزب، با عنوان «آقایان» بسوی چندتن از مخالفانش

بازگردد. اما ردکنندگان می‌گویند «پلخانف
هر از گاهی در مطبوعات با مازلف بحث کرده است»
اما نه درباره تئوری بهره و نه درباره انحرافات
مازلف از تئوری مارکس.

آیا يك بيان پارلمان‌تار نیستی هست که این
چنین شیوه‌ای را توصیف نماید؟

پلخانف که شیفته مباحثات تئوریک است، و
می‌تواند به موقع آنها را به يك لشکرکشی مبدل
کند. هرگز، هیچوقت با مازلف در مورد آنچه
رویزیونیسم را بوجود می‌آورد بحث نکرده است.
بعبارت دیگر تضاد او با تئوری بهره مطلق و
توصیفش بعنوان يك «کلمه ناهنجار» و دنا‌عش
از حقیقت رجعت‌های نقصان‌یابنده و یا درباره
اینکه اگر مازلف مارکس را «رد» نکرده بود آیا
نارودنیک‌ها و رویزیونیست‌ها امکان داشت
بتوانند صحت تئوری خود را ثابت کنند یا خیر.
پلخانف هیچوقت درباره این مسئله بحث نکرده
است. او درباره چیزی کاملاً متفاوت که تارتف^۱—
های منشویک حالا پشت يك فریب عمده و

موزیانه اصطلاح دیپلماتیک و مغشوش کننده
«مسائل ارتباط نزدیکی با مسائل ارضی ما
دارند.» پنهان کرده اند، بحث کرد. پیداست
کسی نمیتواند پلخائف (که باید به او تبریک
گفت.) و همپالگی هایش را در مورد شروع دفاع
از رویونیسم یاری نماید. کسی نمیتواند به
سیاستمداران معزول تمبرکلمانسو کمک کند.
کلمانسو دشمن سازش ناپذیر ارتجاع «هر از گاهی
با آن بحث می کرد»، لیکن حالا با ارتجاع، همخانه
— را — کلمانسو رو می کند و... آنرا بکار می-
گیرند. پلخائف یک دشمن سازش ناپذیر
رویونیسم است، پلخائف هر از گاهی با مازلف
بحث کرده است (در مورد مبحث خیالی غیر از
رویونیسم او) و حالا مازلف با تکرار مباحثات
کهنه اش بر علیه تئوری مارکس در صفحات
«ندا» به مخالف با مارکس پرداخته است. لیکن
پلخائف و همپالگی هایش فقط رو می کنند.
آقایان مطبوعاتچی، بذل و بخشش شما،
متحد شدن با منشویکها است فردا به شما این

فرصت داده خواهد شد که تئوری ارزش مارکس را به همین خوبی در صفحات «ندا» تکذیب کنید - بوسیله رد کردن در یک تفسیر توسط سردبیرانی که «موافق نیستند.» -

پلخانف و همپالگی‌هایش در همان تفسیر سؤال می‌کنند «پرولتاری سعی نخواهد کرد که گفته‌هایش را در مورد ارتباط بین اندیشه‌های مازلف درباره بهره مطلق و برنامه‌ای که ناسیونالیزم را رد می‌کند با مدرک ثابت نماید؟» یا «کمال میل سازش ناپذیر» عزیز این هم سند برای شروع.

«آیا در ضمن گیر کردن در درک تئوری بهره مطلق مارکس، درک نقش ثروت خصوصی در کشور، بصورت یک سد بر سر راه توسعه و تکامل نیروهای مولدهٔ جامعه سرمایه‌داری ممکن است؟؟» پلخانف و «همپالگی‌های سازش ناپذیر» یا مازلف همکاری می‌کنید. و به این سؤال که سند مورد نظر را به شما می‌دهد، پاسخ دهید.

مجموعه آثار جلد ۱۵
پرولتاری شماره ۲۹
۱۲ نوامبر ۱۹۰۸

لازمه‌اش چندین سال کارکردن است - فراهم
سازیم - این ممکن نیست.

بوسیلهٔ ابراز احساسات صرف کارگران
دستیابی به شکل سیاسی قدرت می‌تواند صورت
گیرد. عین آنچه را که ما انجام داده‌ایم اما ایجاد
اشکال نوین نظم اجتماعی نیازمند دهها سال وقت
است.

چرندیات صرف است. اگر توقع داشته
باشیم که می‌توانیم سازمان کارگران را در مدتی
کوتاه تجدید حیات نموده و کم‌کم این ایده را به
افکار کارگران و دهقانان القاء نمائیم.

کلیات جلد ۳

صفحات ۵-۷-۸

انتشارات پروگرس

مسکو ۱۹۶۵

توضیح:

(۱) سومین کنگره اتحادیه سراسری روسیه با وظیفه توسعه اقتصادی و آگاهی به مسائل سازماندهی کارگران به مباحثه پرداخت. نماینده‌ها به یک گزارش در مورد فعالیتهای کسانیکه در اداره خواروبار و کارپردازی ارتش کارمی‌کنند گوش دادند. آنها بیشتر عوارض سیاست و دیگر موضوعات را مورد رسیدگی قرار دادند.

بعد از گوش دادن به سخنان لنین، کنگره تصمیم گرفت که یک فراخوان به همه کارگران و کسانیکه (در کشور روسیه) کارمی‌کنند انتشار بدهد. این فراخوان به فعالیت جدی، مبارزه بایی نظمی اقتصادی، بیدارنگ تشویق کردن کارگران منضبط و دقیق در همه سازمانهای اتحادیه‌ها و قوی کردن مبارزات و اتحاد توده‌ها، برای ساختن سوسیالیسم می‌پرداخت.